



دانشگاه  
علوم پزشکی

## فصلنامه دیکتاتی حقوق قضایی

دوره ۲۴، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۸

صفحات ۲۰۷ تا ۲۴۲

# امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی در رویه قضایی و حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷ مهر ۲۱ - تاریخ پذیرش: ۵ خرداد ۱۳۹۸)

محسن محدث: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس

جعفر کوشان\*: دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

علیرضا میلانی: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر

مجید متین راسخ: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس

### چکیده

امنیت قضایی، مفهومیست که بهموجب آن حیثیت افراد، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی شهر وندان، در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه قرار خواهد گرفت. البته تأمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، از وظایف حاکمیتی، یعنی تعهد دولتها و در اصل بر عهده دستگاه عدله و قوه قضائیه هر نظام حقوقی است. در این مقاله سوال اساسی این بوده که امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی (پیش از دادرسی) چیست، چه حقوقی را برای اصحاب به ارمغان می‌آورد و رویه قضایی نظام کیفری ایران در این خصوص چه رویکرد و حکمی دارد. در حقوق ایران به مولفه‌ها و مصادیق مختلفی از امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی شامل: منع بازداشت غیر قانونی، حقوق و تضمینات ناظر بر احضار متهم، حق اطلاع از موضوع اتهام، حق داشتن وکیل، محدودیت در قرار بازداشت موقت به عنوان مهم ترین عناصر امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته شده و به طور ویژه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در رویه قضایی نیز می‌توان آرایی را یافت که عدم رعایت عناصر امنیت قضایی موجب محکومیت انتظامی قضات شده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت قضایی، تحقیقات مقدماتی، رویه قضایی، حقوق متهم، عدالت قضائی.

**مقدمه**

محترم شمردن قوانین و مهم‌تر از آن التزام عملی به قانون، از اولین پایه‌های استمرار و قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است. در همین راستا امنیت قضایی، زمانی شکل خواهد گرفت که اصول دادرسی عادلانه به نحو گسترده تضمین کننده حقوق مادی و معنوی شهروندان و خصوصاً اصحاب دعوا باشند. امروزه الزام و تمایل به استفاده از مکانیزم‌های حقوقی و ابزارهایی مادی چون: سامانه‌های الکترونیکی، تشکیل پرونده شخصیت متهم، الزامات تفہیم اتهام، حق دسترسی بازداشت شدگان به وکیل، استقلال بازپرس در صدور قرارها، اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق و ... موضوعات متنوعی را برای تحقیق و مطالعه فراهم نموده‌اند که بر آن شدید تا یکی از موضوعات مبتلا به امنیت‌مدار را به رشتہ تحریر درآوریم. هدف اصلی این مقاله، تبیین مفهومی به نام «امنیت قضایی» با تکیه بر ابزار دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم در مرحله پیش از دادرسی است. در حقیقت، دادرسی عادلانه، یکی از حقوق بنيادین بشری است که صحت، کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می‌کند و از همین این‌رو، ضمن رعایت کامل حقوق قضایی، امنیت قضایی را نیز تأمین می‌نماید (کلانتریان، ۱۳۸۰: ۴۵). همچنین امنیت قضایی به عنوان یکی از حقوق بنيادین بشری در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و انواع آن، به عنوان حقوقی بنيادین و لازم‌الاجرا دارای ویژگی‌های حقوق سخت و از قواعد لازم الاجرا می‌باشد (بی‌پروا، ۱۳۹۷: ۶۹).

از حقوق مربوط به موضوع امنیت قضایی که در اسناد بین‌المللی معتبر، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده، مواردی چون: آزادی و امنیت شخصی، حق دسترسی به دادگاه، حمایت در برابر بازداشت غیرقانونی و ... می‌توان به اجمال نامبرد (donnelly, 1999: 74). از آنجاکه حاکمیت (دولت به معنای اعم)، به تامین امنیت قضایی تحت عنوان یکی از ابعاد مختلف حقوق شهروندی موظف بوده لذا به نظر می‌رسد گام اول برای تحقق این امنیت، گسترش بسترهای قانونی در راه آموزش و حفظ حقوق شهروندی باشد. واز طرفی قوانینی در راستای تضمین حقوق قضایی شهروندان و در درجه بعد برای اصحاب دعوا، نزد مراجع انتظامی و محاکم قضایی وضع شود. حال شاید ابتدا به جهت اینکه بحث امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه قضایی آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است در ثانی در کنار اهمیت موضوع رایج و مهم دیگر، یعنی رابطه

امنیت قضایی و حقوق شهروندی - انجام تحقیق حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع بوده که اساساً چیستی و مصاديق امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی چگونه قابل ارزیابی و در نهایت دستیابی و مراقبت است؟ همینجا باید گفت با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... مجریان قانون نمی‌توانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قوانین جدید بمانند لذا اگر به وسیله رویه قضایی این تحول و تطول صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت و یا محمل می‌ماند و یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود.

در این پژوهش ضمن توجه دادن به مراتب، سطوح و موضوعات امنیت در کنار عدالت قضائی، با تکیه بر مفهوم متغیری چون «دادرسی عادلانه»، ارتباط عدالت و امنیت به این صورت که عدالت در یک مفهوم زمینه‌ساز امنیت است و در مفهومی دیگر که نتیجه و ثمرة توجه به امنیت، عدالت می‌باشد، ارائه شده است. در پاسخ به سوال مورد تحقیق ابتدا مفهوم امنیت قضایی و مبانی آن، سپس مصاديق امنیت قضایی به طور خاص در مرحله کشف جرم و در ادامه در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین شده و به تحلیل و نتیجه بحث پرداخته می‌شود.

## ۱. کلیات امنیت قضایی (مفهوم و مبانی)

«امنیت» و «عدالت» از ابهام‌آمیزترین و چالش‌برانگیزترین اصطلاحات حوزه مطالعات علوم انسانی هستند. شاید یکی از دلایل این ابهام و مناقشه، **مشکّك** بودن این دو اصطلاح باشد؛ بدین معنا که هم عدالت و هم امنیت مقوله‌هایی ذومراتب هستند و سطوح و جلوه‌های مختلفی را در بر می‌گیرند ( حاجی زاده، هادی، ۱۳۹۵: ۶۳).

در واقع امنیت قضائی به این معناست که افراد بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن به حقوق خود اعم از حق فردی یا اجتماعی برسند (به اجرای عدالت دست پیدا کنند). حال در بررسی واژه امنیت که به معنی فراغت نسبی هر انسانی از تهدید یا حمله می‌باشد؛ و شامل انواع و دسته‌بندهایی مانند: امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت خانوادگی، امنیت اجتماعی و ... موضوع امنیت قضائی در مرحله پیش از دادرسی، موضوع بررسی قرار گرفته است:

## ۱-۱. مفهوم امنیت قضایی

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است. (عمید، ۱۳۸۱: ۱۵۶). در حالی که امنیت قضایی در اصطلاح حقوقی «اطمینان خاطری است که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۴۴۱). همچنین این حقوقدان، قاضی و قانون را تاسیساتی تأمین کننده آزادی و امنیت می‌داند. همانطور که عده‌ای عقیده دارند: «امنیت قضائی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون، به ترتیبی که شهر و ندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل باز دارد»<sup>۱</sup> (امام علی(ع) با فضیلت‌ترین مردمان را کسی می‌داند که به بیشترین حد، به حق قضاوتن کند. در این ساحت به نظر می‌رسد که نظام قضائی هر کشوری می‌تواند مدافع حقوق شهر و ندان، مجری عدالت و رکن اصلی ایجاد امنیت قضائی باشد.

بنابراین امنیت نه تنها یک ارزش [والا] و به خودی خود مطلوب است بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به مطلوب‌های دیگر (کاظمی پور، ۱۳۷۵: ۷۶). به عبارت دیگر آثار قوانین در حمایت از ارزش‌ها و منافع اجتماعی بروز پیدا نمی‌کند مگر اینکه قوه قضائیه این حمایت را تضمین و سپرپستی کند. برابر بند ۶ اصل ۲ ق.ا.ج.ا.<sup>۲</sup> برای تأمین امنیت قضایی، و حفظ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی‌های مشروع او در جامعه، تنها راه رسیدن برپائی قسط و عدل واقعی است. از این رو برای اینکه همه افراد در مقابل قانون یکسان تلقی شوند و درنتیجه تساوی عموم در برابر قانون محقق گردد؛ امنیت سازی قضائی اولاً: بر عهده حکومت (دولتها) و ثانیاً: وظیفه ذاتی قوه قضائیه خواهد بود. کلید واژه‌ای که عیناً در قانون اساسی ایران و ، از جمله در شرح وظایف دولت به معنی اعم ذکر شده است.<sup>۳</sup> بنابراین امنیت قضایی را می‌توان در تعریف زیر بیان کرد:

۱. نقل از پایگاه اینترنتی شکایت انتظامی، تاریخ مشاهده ۱۳۹۸/۲/۱۸، به نشانی:

<<http://shekayateentezami.blog.ir>>

۲. بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسؤولیت او دربرابر خدا که از راه نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

۳. بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در ←

«عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد.»

اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور (مجموع ورودی‌ها، فرآیند قضاء و خروجی‌های نظام قضایی) در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۳ و ۵۴)، درنتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازات‌ها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنى بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند (سیاح، ۱۳۹۴: ۱).

## ۱-۲. مبانی نظری امنیت قضایی

برای شناخت و نیز حمایت از امنیت قضایی، در کنار ظهور مفاهیمی چون مشروعیت<sup>۱</sup> و عدالت طبیعی<sup>۲</sup> و ... اصلاح قوانین بر اساس مکتب فطری- انسانی اسلام و نیز بهره‌مندی از تجرب حاصل از رویه قضایی، باید به مقوله کرامت ذاتی انسان‌ها اشاره کرد. انسان به علت داشتن کرامت ذاتی بهره‌مند از برخی حق‌های بنیادین است که این حقوق اولیه در اسناد حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی<sup>۳</sup> بازتاب یافته‌اند.

→

برابر قانون.<sup>۴</sup>

۱. مشروعیت (Legitimacy) در لغت به معنای «قانونی بودن» و «مطابق با قانون» «مشروعیت به «حقانیت» اشاره دارد و عبارت است از توجه عقلاتی اعمال حکومت از سوی حاکم، به عبارت دیگر، مشروعیت، یک ویژگی در نظام حکومتی است که حاکم به مدد آن، حکمرانی خویش را صحیح می‌داند و مردم تبعیت از حکومت را وظیفه خود می‌شمارند. نقل از پایگاه اطلاع رسانی <https://hawzah.net/fa/Article/View/>

۲. عدالت طبیعی؛ همان قواعد همگانی و نوعی است که از طبیعت اشیاء سرچشمه می‌گیرد و ارتباطی با عقاید اشخاص و قوانین حاکم بر جامعه ندارد.

۳. از جمله: اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، ۱۷۸۹، پیمان نامه حقوق کودک، پروتکل‌های اختیاری معاهده حقوق کودک، ←

از سوی دیگر امنیت حقوقی به عنوان اصلی پویا از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. به طوری که فقه اسلامی به عنوان ریشه حقوق موضوعه [ایران] در موارد بسیاری به مصاديق این اصل اشاره دارد<sup>۱</sup>، از جمله برابری احاد مردم در مقابل قانون، تامین حقوق اجتماعی افراد (بیمه سلامت، حق بازنشتگی و ...)، حق داشتن وکیل و دادخواهی در دادگاهها و دهها حق مسلم دیگر. به طور مبنایی برای حفظ کرامت انسان‌ها و در مسیر ایجاد امنیت قضائی، برخی اصول در نظام‌های کیفری تعیین شده است که رعایت آن‌ها به تبع عدالت و امنیت قضایی را تامین می‌کند همچنین برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا فرایند، از جمله قانون و قانونگذاری، به ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی خود با مفاهیم نزدیک و هم خانواده‌هایی مانند: برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی در می‌آمیزد (بشریه، ۱۳۸۳: ۷-۸). بدین ترتیب، در این جوامع افراد ملت مشمول محدودیت‌ها و اوامر و نواهی قانونی قرار نمی‌گیرند مگر با اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مد نظر قرار گرفته باشد (قاضی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). پس امنیت قضایی هر کشور بستگی به کارکرد نهادهای متعدد کشوری بالاخص دستگاه قضایی آن کشور دارد و کارکرد صحیح این قوه و دادگستری‌ها در اقصی نقاط کشور امنیت و آزادی را به دنبال می‌آورد. مهم ترین عناصر و مولفه‌های امنیت قضایی عبارتند از: حاکمیت قانون، به معنای احترام و التزام مسئولان نظام و مردم به قانون و حسن اجرای آن در جامعه؛ استقلال قضایی؛ به این معنا که قصاصات مطابق قانون و وجود و بنا بر تشخیص قضایی خود و بدون نفوذ هرگونه مقامی حتی مقامات قضایی بالاتر از خود مبادرت به صدور حکم و اتخاذ تصمیم قضایی نمایند (سیاح، ۱۳۹۴: ۱). حال تضمین واقعی برای برخورداری افراد یک

→ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بيرحمانه، غير انسانی یا تحفیر کننده، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نزدی، کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان، کنوانسیون جلو گیری از کشتار جمعی و مجازات آن، اعلامیه جهانی حقوق پسر، کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها، اعلامیه جهانی حقوق کودک، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، اعلامیه درباره محظوظ همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد، اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق پسر تهران و ... .

۱. ر.ک سیفی و امیر اقدم، ۱۳۹۵.

جامعه از حقوق بنیادین در باب امنیت، یکی تامین دادرسی عادلانه برای شهروندان به معنی عادلانه برگزار شدن دادگاهها، به عنوان یک قاعده کلی و دیگری تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت واقعی در جزء جزء فرآیند دادرسی است و لذا استناد و اتكاء بر اصول و ساز و کارهای دادرسی عادلانه (عدالت شکلی) و به دنبال آن احراق حقوق و فصل خصومت و ایجاد صلح و سازش (عدالت ماهوی) در مرئی و منظر عموم مردم، تقویت هر چه بیشتر امنیت قضائی- در مرحله تحقیقات مقدماتی و نیز در مراحل مختلف دادرسی را در بر خواهد داشت. به این منظور به مرور بر اصول هفت گانه دادرسی عادلانه مورد توجه و رعایت نظامهای حقوقی؛ می پردازیم.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲. اصل برائت

اصل برائت از بنیادی‌ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی، به این معنی است که بنای دادرسی بر عدم ارتکاب جرم توسط افراد قرار دارد؛ مگر اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم فرد در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود. حق بهره‌مندی از این اصل در اصل ۳۷ ق. ا، بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی،<sup>۲</sup> بند الف ماده ۱۷۷ قانون آینه دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷،<sup>۳</sup> همچنین ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت مورد تایید قرار گرفته است؛ و در حال حاضر ماده ۴ قانون آینه دادرسی کیفری با ظهور کامل به این اصل اشاره کرده است:<sup>۴</sup>

از آن جا که اصل «برائت» نتیجه منطقی اصل قانون بودن جرائم به شمار می‌رود و در امور کیفری کاربرد بسیار حائز اهمیتی دارد لذا اصل «امنیت حقوقی» ایجاب می‌کند که شهروندان

۱. آخرین مشاهده ۱۳۹۸/۲/۱۸ کدخبر ۵۵۹۷۹ ۰۳/۱۳۹۲ - ۰۴/۲۰ - ۴۶:۱۷

<<https://www.parsnews.com>>

۲. بند ۲- «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یامنایع فقهی معتبر (درصورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳. ماده ۱۷۷ - پس از ارجاع پرونده به شعبه دادگاه و عدم نیاز به تحقیق و یا اقدام دیگر دادگاه به شرح زیر عمل می‌نماید: الف - چنانچه اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی به وی جرم نباشد دادگاه اقدام به صدور رأی برائت و یا قرار منع تعقیب می‌نماید. ۴. «اصل»، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.»

اطمینان داشته باشد که به جز در موقع احراز جرم، هیچگاه وضعیت حقوقی آنان دگرگون نمی‌شود و همواره تا پیش از تغییر وضعیت حقوقی از حمایت نظام حقوقی برخوردار هستند. [علاوه بر این] پذیرش اصل برائت دو اثر عمدۀ دیگر در دادرسی کیفری دارد: یک اثر آن حق‌های دفاعی متهم و دیگری حق‌های ناظر بر تأمین آزادی متهم است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

#### ۱-۲. اصل دادرسی توسط مقامی بی‌طرف

یکی دیگر از اصول مهم دادرسی، اصل بی‌طرفی مقام قضائی در دادرسی است. (بی‌طرف بودن، از جمله تعهداتی است که قاضی باید دارا باشد).<sup>۱</sup> و منظور از اصل استقلال و بی‌طرفی رسیدگی کننده آن است که اولاً قضاط بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی به وظیفه خویش پردازند و ثانياً؛ رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره تامین این حق و رعایت این اصل در بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعواپیش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود». در ماده ۱۰ این اعلامیه نیز گفته: «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند».<sup>۲</sup> اکنون در مقررات ایران نیز به صراحة از بی‌طرفی در دادرسی سخن رفته است و ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند ...» ملاحظه می‌شود در بیان اصول قطعی دادرسی عادلانه و برای تامین امنیت قضائی قانونگذار سال ۱۳۹۲ در بخش اول- به نام کلیات، فصل اول- در جایگاه تعریف آئین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن، اصول حقوقی و قواعد آمرهای را درج و

۱. ر.ک. سیفی و امیر اقدم، ۱۳۹۵

۲. کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ میلادی در ماده ۱۴ خود به این موضوع تأکید کرده است که: «همه در مقابل دادگاهها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علني در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی پشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید».

اشاره کرده است که آرزوی مجریان دستگاه قضائی و شهروندان بوده است.

در کنار این، رویه قضایی به واسطه عوامل مهمی چون استقلال قضائی، قضاوت عادلانه، احترام به حقوق مکتبه، درک مشترک از قانون، عملکرد بدون تبعیض نقش بسیار مهمی در تحقق امنیت قضایی دارد (سیفی و امیراقدم، ۱۳۹۵: ۱۵۷). همچنین در ارزیابی‌ها، قضاوت براساس میزان عدل مورد سنجش قرار می‌گیرد و لازمه سلامت این معیار، خالی بودن دستگاه قضائی از هرگونه اثربری از منافع یا عواطف شخصی می‌باشد (همان: ۱۵۷). البته وظیفه قانون نیز تضمین بی‌طرفی از طریق تعیین دلایلی که ممکن است منجر به عدم ایجاد بی‌طرفی شود، می‌باشد. بنابراین قانون می‌بایست بی‌طرفی دستگاه قضایی را از طریق اعمال وظایف مشخص بر قوه قضاییه بر عهده بگیرد (همان: ۱۵۷).<sup>۱</sup>

بنابراین یکی از سازوکارهای تأمین امنیت قضایی در روایات، رعایت عدالت و تساوی افراد در برابر قانون است که از پایه‌های اساسی قضاوت به شمار آمده است. در همین راستا در کلامی امام صادق(ع) فرموده‌اند: «هر کس درگیر قضاوت شد، باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن، تساوی را رعایت کند».

### ۱-۲-۳. اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن محاکمات نیز به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه، وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی، جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره می‌شود. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و بند ۱ ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده‌اند. البته اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر کرده است: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی

۱. در ماده ۷۴ قانون قوه قضائیه مصر، قضائی مجاز به فعالیت تجاری هم‌زمان با انجام قضاوت نمی‌باشد، یعنی نمی‌تواند هم به امر قضاوت پردازد و هم‌زمان با آن به کارهای دیگر مشغول باشد. هم‌چنین قضائی مجاز نیست به هر کاری اعم از دریافت مزد یا بدون دریافت مزد پردازد که منطبق با استقلال دستگاه قضائی، کرامتش و جایگاه وی نباشد. یا کاری که در حال انجام آن می‌باشد در تعارض با وظایف قضائی یا حسن انجام کار وی باشد. هم‌چنین طبق قانون قوه قضائیه مصر تأثیرپذیری قضائی از منافع شخصی چه در زمان قبل از قضاوت (انجام امور مربوط به وکالت) و چه در زمان بعد از قضاوت من نوع می‌باشد. این ضمانت‌های پیشگیرانه مسؤولیت تضمین بی‌طرفی قضائی را بر عهده دارد. قانون با موانعی که بر سر راه قضائی می‌گذارد؛ بی‌طرفی در قوه قضائیه و قضات را سازماندهی می‌کند و قدرت قضائی را هنگام حل اختلافات کاهش می‌دهد.

بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد.»

اگرچه تحقیق مقدماتی (پیش از دادرسی) چه در دادسرا و چه در محاکم بدوى غیرعلنی است،<sup>۱</sup> ولی این مقطع با اصل دادرسی توسط مقامی بی‌طرف تضمین خواهد شد، یعنی محramانه بودن تحقیقات برای کشف حقیقت است نه جمع آوری علیه متهم) لذا با گذر از محدودیت ماده ۱۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری می‌توان به دادرسی علنی و رسیدگی عادلانه در نظام کیفری ایران اشاره نمود، چراکه علنی بودن محاکمه یک اصل بدیهی و مقبول جوامع است. پس از سپری شدن مرحله تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر ترافی و علنی بودن محاکمه است.

#### ۱-۲-۴. اصل بهره‌مندی از وکیل (حق داشتن وکیل)

یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه را حق متهم به داشتن وکیل عنوان می‌کنند که در اصل قانون اساسی پیش‌بینی شده است. در حال حاضر این حق ضمن مواد <sup>۵</sup>، تبصره ۲ ماده ۱۳، <sup>۴۸</sup>، <sup>۳۵</sup>، <sup>۶۸</sup>، <sup>۸۶</sup>، <sup>۱۵۲</sup>، <sup>۱۵۴</sup>، <sup>۱۹۰</sup>، <sup>۱۹۵</sup> و ... قانون آپین دادرسی کیفری مطرح و ثبت شده است و در صورت عدم رعایت این ضوابط نظیر سلب حق همراه داشتن وکیل، منجر به محکومیت انتظامی قضات خواهد شد.<sup>۲</sup> در این قسمت با ذکر مواد مرتبط، گذری به موضوع اصل بهره‌مندی از وکیل می‌شود:

۱. حق دسترسی به وکیل: «ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود»

۲. تقاضای همراهی وکیل: «ماده ۴۱- با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید.»

۱. طبق ماده ۹۱ ق. آ. د. ک : «تحقیقات مقدماتی به صورت محramانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.»

۲. تبصره ۱: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفہیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. تبصره ۲: «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند»؛ تبصره ۳: «در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است.»

**۳. نحوه حضور و اختیارات وکیل:** ماده ۱۹۰ «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر و کیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهارات کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشتہ می‌شود»

**۴-۲-۴. اصل پیرهمندی از وکیل (حق داشتن وکیل):** به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در جهت تامین امنیت قضائی افراد جامعه تا به آنجا مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است که برای رعایت اصل برابری سلاح‌ها، در مقطوعی و کیل می‌تواند در مواجهه با مقام قضائی مبادرت به تذکر موضوع تبصره ماده ۱۹۵ نماید<sup>۱</sup> «بصره- وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سوالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.»

#### ۱-۲-۵. اصل تفهیم اتهام به متهم

این حق متهم می‌یاشد که از جانب مقام قضائی اتهام وی به نحوه‌ای بیان شود که با توجه به شرایط و وضع متهم برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام باید با ذکر ماده قانونی که توسط متهم نقض شده و از جانب مقام قضائی صورت بگیرد. حق اطلاع دقیق از زمینه اتهام، نوع و درجه آن که در ابتدای ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت پذیرد تا متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد.

پیش از این در ماده ۱۲۷ و بعد ماده ۱۲۹ قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ضمن

۱. ماده ۱۹۵ «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که افرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجراب متهم منمنع است.»

۲. ماده ۱۲۷ «قاضی مکلف است بلا فاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداقل طرف (۲۴) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر اینصورت بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.»

- ماده ۱۲۹ (قاضی ابتداء هیئت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً سؤال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و مذکور می‌شود که مواطن اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آنرا به صورت صریح به متهم

←

اشاره به لزوم تسریع در تحقیقات مقدماتی به این اصل تفہیم اتهام اشاره‌ای شده بود و حق تفہیم اتهام برای متهم را به رسمیت شناخته شده بود. به دلیل اهمیت تفہیم در بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده: «هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع گردد و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد».<sup>۱</sup>

و اما در ادامه قانون آئین دادرسی کیفری در مواد ۵، ۶ و ۷ برای تأمین عدالت قضائی و جری تشریفات دادرسی عادلانه هر چه تمام‌تر پایه‌گذاری امنیت قضائی را شکل می‌دهد:

۱. آنگاهی از حقوق دفاعی متهم: ماده ۵ «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آنگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود»

۲. آنگاهی اصحاب دعوا از موضوع دادرسی: ماده ۶ «متهم، بزه‌دیاده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آنگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود»

۳. رعایت حقوق شهروندی و ضمانت اجرای نقض آن: ماده ۷ «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/۱۳۸۳/۲» از سوی تمام مقامات قضائی، خاطبان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) محکوم می‌شوند،<sup>۲</sup> مگر آنکه در

→

تفہیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجراء متهم منعو است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود».

۱. در همین راستا اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بالاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفہیم شود و حداقل طرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضائی ارسال و مقدمات محکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

۲. ماده ۵۷۰: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به جبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد»

پس به طور کلی تحقق امنیت قضایی از مهم‌ترین نیازها و حقوق انسانی شهروندان است. امنیت قضایی موجب اعتماد و اطمینان شهروندان نسبت به جامعه می‌شود و زمینه‌ی رشد و بالندگی جوامع را فراهم می‌کند و فقدان یا ضعف آن موجب اختلال در نظام اقتصادی و سیاسی می‌شود.

#### ۱-۶. اصل مُحق بودن متهم به سکوت

برخورداری از حق و بهره‌مندی از اصل محق بدون متهم به سکوت موجب می‌شود متهم بدون آنکه تکلیفی داشته باشد از این حق به عنوان ابزاری در جهت تامین حقوق و آزادی‌های شهروندی خود استفاده کند، یعنی در برابر پرسش‌ها ساكت بماند. در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق بشر آمده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده» برخوردار شود. همچنین در بند «ز» اعلامیه آمده است «... مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.»

البته ماده ۱۹۷ قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر می‌داشت: «دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و روشن شدن موضوع لازم است از طرفین و شهود و مطلعین خواهد کرد. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد؛ دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند، رسیدگی را ادامه می‌دهد.» این در حالیست که وفق بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی پیش‌بینی شده است که «هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش‌های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی است، خودداری کند» به نظر می‌رسد این ماده حق سکوت را محدود به سوالات غیرمشروع و غیر مرتبط دانسته است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۷. اصل منع شکنجه

به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و جنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». بنابراین علاوه بر هرگونه اذیت یا آزار بدنی فرد که حد اعلای شکنجه است، هر

۱. بند ۱۱: «پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با انها یا اتهامات انسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.»

اقدامی که عرفا اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی شود، نیز می‌تواند از مصادیق شکنجه باشد، همچون بازداشت یا حصر زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلوی انفرادی، چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه، بی‌خوابی دادن به زندانی و بازجویی در شب، توهین و فحاشی، به کار بردن کلمات ریکیک، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات‌منهم با وکیل و ممانعت از انجام فرایض مذهبی که تماماً نقض حقوق و آزادی‌های انسانی است.

اهمیت این مبحث و موضوع منوعیت شکنجه تا حدی است که در مواد ۴۲، ۵۳ و ۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری با تأسیس ضابطان تخصصی، وظایفی خطیری را به عهده بازجویان می‌گذارد تا شایه خطأ و یا نقض امنیت قضائی افراد در معرض خطر (خصوصاً کودکان و بانوان) پیش نیاید.

**۱. ضابطان آموخت‌دیده خاص:** ماده ۴۲ «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموخت‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود»

**۲. حقوق انسانی بازجوئی شونده:** ماده ۵۳ «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت‌مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

**۳. توقیبات صحیح تحقیق از متهم نزد بازپرس:** ماده ۶۰ «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست».

**۴. منع اغفال، اکراه و اجبار:** «ماده ۱۹۵ - پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد، پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است»

همچنین مشاهده می‌شود مواد ۶۰ و ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری حال حاضر، در ادامه ضمانت‌های امنیتی قضائی - به پیروی اسناد بین‌المللی و ملی هرگونه اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام هین بازجوئی

را منوع دانسته و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجرار یا اکراه است، معتبر نمی‌داند.

## ۲. امنیت قضایی در مرحله کشف جرم (پیش از دادرسی)

کشف جرم اولین مرحله از فرایند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است، تا جرمی کشف نشود چرخه دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶). گرچه در مقررات از کشف جرم تعریفی صورت نگرفته است، لکن ماحصل تبع در مقرره‌های ۱، ۲۲، ۲۸ و ۹۰ قانون آین دادرسی کیفری ایران فرایند «تحقیقات مقدماتی» این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه اقدامات قانونی مانند حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله و قوع جرم، شناسایی، یافن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، تحت نظر قراردادن، تفتیش و بازرسی، انگشت نگاری، بررسی صحنه جرم و ... به منظور اطلاع از وقوع جرم از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی». بنابراین مرحله کشف جرم از مراحل دقیق و حساس دادرسی کیفری است که بیشتر حقوق و آزادی‌های متهم در معرض تعدی و تجاوز ضابطان و مجریان قانون قرار می‌گیرد که بهزودی در این باره مطالب ارائه خواهد شد لکن اصولی که به عنوان مصادیق امنیت قضائی بیان می‌دارند شامل موارد زیر است:

### ۱-۲. منع بازداشت غیر قانونی

آزادی و امنیت شخصی هر فرد یکی از حقوقی است که برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده و در استناد بین المللی حقوق بشر (مصطفوی ۱۹۴۸ دسامبر ۱۹۶۷ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۷۷ خورشیدی)<sup>۱</sup> همان‌طور که دولتها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. چون این حق آثار مهمی دارد لذا برپایه آن، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید در موارد استثنایی باشد که برپایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورت گریزناپذیر انجام گیرد و باز هرچه زودتر دادرسی عادلانه و منصفانه درباره کسانی که آزادیشان سلب شده به عمل آید. اشخاص دستگیرشده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند و

<sup>۱</sup>. ماده ۹: «هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود.»

خسارتم آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی جبران گردد (نحوی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۳۲-۲۳۳).

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در استناد جهانی همچون: اعلامیه جهانی حقوق بشر،<sup>۱</sup> ميثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) و در استناد منطقه‌ای مانند: کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۵) تصریح و به آثار چنین حقیقی نیز اشاره شده است. این مسئله دارای سابقه زیادی نیز در سطح اتحادیه اروپا می‌باشد؛ به گونه‌ای که مقررات بسیاری برای حمایت از افراد در سطح اتحادیه اروپا در برابر بازداشت‌های غیر قانونی وجود دارد (jimeno-bulnes, 2010: ۵).

طی مباحث حقوق اساسی برخی از مصادق‌های حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است؛ به طور مثال در اصل ۳۲ قانون اساسی<sup>۲</sup> بر منوعیت توقیف خودسرانه تأکید شده و مرجعی که به بازداشت دست می‌زنند باید حداقل در ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی را به مرجع صالح قضایی بفرستد. (حجتی اشرفی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۶) اصول ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸ قانون اساسی نیز آثاری از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است. اگرچه کمبودهای قانونی چشمگیری در زمینه پاسداری از حق آزادی متهم وجود دارد و بهویژه در قانون آینین دادرسی کیفری با اعطای اختیار گستردگی به قاضی برای بازداشت و نیز پیش‌بینی قرار بازداشت اجراری، حقوق ناظر بر آزادی متهم سخت محدود گردیده است (کشاورز، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۳)،<sup>۳</sup> بر اساس ماده ۴۴ و برابر ذیل ماده ۴۶ قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. علاوه بر ضابطان

۱. از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل تأمین کنند.

۲. اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافصله کجا به متهم ابلاغ و تفہیم شود و حداقل ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسوع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۳. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به حقوق ناظر بر آزادی متهم توجه ویژه‌ای شده است، از جمله بند ۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند.

تکلیف مقام تحقیق نیز در این ماده اجرای ترتیب تفہیم اتهام و تعیین تکلیف متهم تا پیش از اتمام مهلت بازداشت قانونی توسط مرجع انتظامی و مهلت قضائی توسط داسرا است. از این رو چون رویه قضایی نقش مهمی در تحقق امنیت قضایی و حتی اقتصادی جامعه دارد؛ باید مورد بررسی قرار بگیرند. برای تشریح رویه قضایی در خصوص منع بازداشت غیرقانونی باید به پرونده سال ۱۳۸۸ معروف به کهریزک<sup>۱</sup> اشاره کرد که در آن دادستانی در کیفرخواست خود چند تن از قضات مسئول پرونده را که در حوادث مربوط به صورت خودسرانه و با دستورات فاقد وجاہت قانونی موجبات بازداشت عده‌ای از شهروندان را فراهم نمودند را متهم به «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» کرده است.<sup>۲</sup>

از همین منظر درنتیجه باید گفت وقی بازداشت غیرقانونی احرار شود؛ نه تنها موجب مسئولیت کیفری قاضی می‌شود بلکه مطابق ماده ۲۵۵ قانون آین دادرسی کیفری مسئولیت مدنی مرتكب را نیز به دنبال دارد که در حقوق کیفری تحت عنوان تقسیم قاضی نام برده می‌شود.

## ۲-۲. حقوق و تضمینات ناظر بر نحوه احضار متهم

از جمله رعایت تشریفات و تضمینات ناظر بر احضار و جلب متهمان، عادلانه بودن دادرسی کیفری و ایجاد احساس امنیت قضائی برای شهروندان جامعه خواهد بود. همچنان که عدالت قضایی مانع در جهت سوءاستفاده متزاوزین به حقوق افراد از طریق وسیله قرار دادن دستگاه عدالت کیفری- به منظور رسیدن به امیال نامشروع خود- من باب احضار یا جلب متهمان می‌شود. در قوانین آین دادرسی کشورهای مختلف اولین مرحله جهت تحقیقات از متهم، احضار و یا فراخواندن فرد می‌باشد لذا اصل بر احضار ابتدایی بوده و حریه جلب متهم، یک استثنای احضار تلقی می‌گردد. البته رویه قضایی کشورهایی چون انگلستان نیز مشابه ایران می‌باشد (zander، 2007). به هر حال آمره بودن قواعد احضار و شرایط احضارنامه، امری بدیهی و مورد تأکید

۱. پرونده شماره ۹۰۰۰۳۷ جریانی در شعبه پانزدهم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت مورخه ۶ اسفند ۱۳۹۱

۲. متن کیفرخواست صادره از سوی دادستانی تهران در پرونده موسوم به بازداشتگاه کهریزک به شرح زیر بود:

۱. «ع. الف. ح» فرزند م، دادیار معلق از خدمت دادسرای عمومی و انقلاب تهران متهم است به مشارکت در بازداشت غیرقانونی.

۲. «ح. ز. د» فرزند ع، معاون معلق از خدمت دادسرای عمومی و انقلاب تهران حسب شکایت آفایان (ع. ج) (و. م. ر) متهم است

به مشارکت در بازداشت غیرقانونی.

مراجع استنادی همچون اداره کل حقوق قوه قضائیه می‌باشد:<sup>۱</sup>

در مقابل قوانین ماهوی جزایی، قوانینی وجود دارد که سازمان، نیروی انسانی و طرز تشکیل و فعالیت مراجعي را که به جرایم رسیدگی می‌کنند. چگونگی شکل‌گیری دادرسی‌های جزایی، نحوه احضار و بازجویی از متهم، شهود، شاکی، صدور رأی و اعتراض بر احکام را تنظیم و تنسيق می‌نماید که آنها را حقوق جزای شکلی و یا آین دادرسی جزایی می‌نامند (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). احضار از طرق دیگر مانند: پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمبر و تلفن و نظایر آن تا پیش از این مبنای قانونی نداشت ولی قانون جدید آین دادرسی کفری در احضار متهم راهی فراتر از قوانین کفری مصوب تاکنون را برگزیده و از این لحاظ نوآوری قانون حاضر موجب تامین هر چه بیشتر امنیت قضائی متهم در مرحله پیش از دادرسی شده است.<sup>۲</sup>

در بیان شرایط احضار و بر اساس ماده ۱۶۹ قانون آین دادرسی کفری، احضار متهم الزاماً به موجب فرم‌های مخصوص «احضاریه» صورت می‌گیرد که مطابق با ماده ۱۷۰ قانون مذکور در احضاریه مشخصات شخص احضار شده، تاریخ و محل و ساعت حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌گردد و به امضاء مقام قضائی می‌رسد؛ پس این برگ تنها به امضاء مقام قضائی عدم کننده آن دارای اثر حقوقی بوده و امضاء منشی یا ضابط در آن واجد اعتبار نخواهد بود. البته صادر کننده آن دارای اثر حقوقی بوده و امضاء منشی یا ضابط در آن واجد اعتبار نخواهد بود. البته برابر تبصره ماده اخیر «در جرایمی که به تشخیص مرجع قضائی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضائی مراجعه کند».

از آنجا که احضار بدون تنظیم برگ احضاریه، موجب تخلف و محکومیت است در یک نمونه رای به عنوان رویه قضائی<sup>۳</sup> تصریح شده است که: «... با عنایت به اینکه دستورات مورخ ۱۷/۱۱/۱۷ و ۱۷/۱۱/۲۷ برای جلب متهم و اذن ورود به منزل وی به شرح گزارش مبنای کفر خواست مغایر مفاد مواد ۱۱۳ و ۱۴۰ آین دادرسی کفری می‌باشد، تخلف است و دفاعیات آقای قاضی مشتکی عنه

۱. شماره نظریه ۱۵۵۸/۹۵/۷ شماره پرونده ۱۱۲۰-۹۵-۱۶۸/۱-۱۱۲۰، تاریخ نظریه ۱۳۹۵/۷/۳

۲. ماده ۱۷۵ «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضائی و همچنین نیابت قضائی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بالامانع است».

۳. کفر خواست شماره ۱۹۳-۴/۳۱-۸۶ دادرسای انتظامی قضات.

موثر تشخیص داده نشد، بنابراین به استناد صادر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، آقای «ع. ک» دادرس وقت دادگستری ... به کسر عشر حقوق به مدت یک ماه محروم می شود. این رای قطعی است» (زندي، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۴۳).

پس اولاً: در احضاریه باید موارد شکلی خاص مندرج در قانون رعایت شود و ثانیاً: باید این برگ به متهم ابلاغ گردد و در صورت فقدان شرایط ابلاغ (اعم از واقعی یا قانونی)، یعنی فقدان اطلاع از نشانی متهم برای ابلاغ احضاریه، ناچار مکانیزم اطلاع رسانی آگهی روزنامه کثیرالانتشار باید رعایت شود و در صورت عدم رعایت این قواعد تخلف انتظامی مقام رسیدگی کننده قابل بحث و تأمل خواهد بود. در این خصوص می توان به نمونه ای از محکومیت اشاره کرد که عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکی و اهمال در انجام وظایف قانونی موجب محکومیت بازپرس شده است. براین اساس «... عملکرد آقای (پ) در عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکی انتظامی، اهمال در انجام وظایف مخصوصه تشخیص داده می شود و دفعایات به عمل آمده در لایحه تقدیمی به نظر موثر در مقام نیست لذا دادگاه به استناد ماده ۱۴ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات حکم بر اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت صادر و اعلام می دارد رای صادره قطعی است» (زندي، ۱۳۹۴، ج ۲: ۸۹).

حال مسئله مهم دیگر در اعتبار یا فقدان اعتبار (قانونی بودن احضار) وقتی است که شاکی و مرجع قضایی از محل اقامت متهم اطلاعی ندارند و به طریق دیگری مثل حضور اتفاقی و دفعی متهم در مرجع انتظامی یا قصائی و یا دفتر شعبه رسیدگی کننده- منتهی به ابلاغ حضوری به وی شود، این احضاریه فاقد اثر قانونی بوده و لذا واحد حقوقی شناخته نمی شود. در این گونه موارد ضمن بررسی راه حل های قانونی برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و البته جلوگیری از تعذر ابلاغ احضاریه، نهایتاً متهم بر طبق ماده ۱۷۴ قانون آین دادرسی کیفری از طریق نشر آگهی در روزنامه احضار می گردد.

با توجه به افزایش روش های جدید ارتباطی میان مردم، قانونگذار نیز در صدد برآمده است که از این ابزارها برای ابلاغ احضاریه ها و سایر اوراق قضایی استفاده کند. به همین دلیل در ماده ۱۷۵ قانون آین دادرسی کیفری برای نخستین بار پیش بینی شده است که: «استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت

مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.» از آنجا که این شیوه ابلاغ، جدید و فاقد سابقه بوده، تبصره ماده یادشده، شرایط و نحوه استفاده از سامانه‌های مذکور را به موجب آین نامه‌ای دانسته که به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. این آین نامه<sup>۱</sup> در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده و هم اکنون بخش عمدتی از ابلاغ اوراق قضایی از طریق سامانه الکترونیکی به روش‌های متعدد مذکور ابلاغ می‌گردد.

### ۳. امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی (ما قبل دادرسی)

منظور از امنیت قضائی، امنیتی است که اساس تنظیم روابط انسان‌ها است و تحقق این مهم همان‌طور که بیان شد عموماً بر عهده قوه قضاییه می‌باشد؛ اگر چه نقش قوای دیگر را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، به عبارت دیگر قانون‌گذاری مناسب لازمه امنیت قضایی عادلانه است. با این حال چنان که گفته شد بار اصلی بر دوش قوه قضاییه می‌باشد (فرش پیرا، ۱۳۸۵: ۲۱).

«امنیت قضایی» در واقع نوعی اطمینان و تضمینی است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌کنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب «قانون» به انجام برسانند. «امنیت قضایی» با «اجرای قانونی» رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای صحیح و مدام قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است و در فرض تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه بازگرداند؛ از این رو امنیت قضایی پیش‌نیاز «اجرای قانون» است و از سوی دیگر نیز «امنیت قضایی» در سایه اجرای صحیح قانون از سوی حکومت و مردم در جامعه به وجود می‌آید (اشراقی، ۱۳۸۶: ۴۱). به اختصار به عوامل مؤثری که نقش رویه قضایی را در تحقق امنیت قضایی را نشان می‌دهند، اشاره می‌نماییم.<sup>۲</sup>

### ۱-۳. اصول تحقق اهمیت قضایی

۱. آین نامه‌ای سی و دو ماده‌ای تحت عنوان آین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی در اجرای مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آین دادرسی کیفری.

۲. سیفی زینتاب، غلامعلی و امیر اقدم، زیما، (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی نقش رویه قضایی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی در حقوق ایران و مصر.

### ۱-۱-۳. استقلال قضات

قضات در رسیدگی پرونده‌ها و دعاوی که به آنها محول گردیده است از نظر قانون دارای استقلال رأی هستند و دادگاه عالی انتظامی نیز از نظر حسن اجرای قوانین در ارشاد قضات سهم بسزائی را واجد است (امینیان، ۱۳۵۰: ۳۳ - ۳۲). سپس در صورت حفظ و استقلال رای و بی نظری قاضی، مردم از اجرای قوانین و عدالت بنحو صحیح و بدون هیچ گونه تبعیضی برخوردار و از مزایای امنیت فردی و اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهد گشت (همان: ۳۴).

### ۱-۲-۳. قضاوت عادلانه

امنیت قضایی وقتی به وجود می‌آید که دادگاه‌ها و مراجعه قضایی در اجرای وظایف قانونی خود به گونه‌ای رفتار نمایند که به حقوق و آزادی‌های افراد لطمه وارد نشود و حرمت انسان‌ها مورد تهدید قرار نگیرد. به منظور ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان در مواجهه با دستگاه عدالت کیفری و حفظ حقوق و آزادی‌های آنها بر اساس موازین حقوق بشر، قانون اساسی و قوانین و مقرارات عادی، تضمین‌های مختلفی درنظر گرفته شده است (садاتی، ۱۳۸۹: ۱۷). بدیهی است که عامل شاخص اجرائی عدالت، شخص قاضی است.

### ۱-۳-۳. احترام به حقوق مکتبه

به نظر می‌رسد که یکی از مبانی اصل امنیت قضائی، اصل احترام به حقوق مکتبه افراد باشد. برای این اصل دو مبنای توان شناسایی کرد: اعمال آزادی‌های بنیادین و حمایت از حقوق ناشی از قراردادها.<sup>۱</sup>

### ۱-۴-۳. عملکرد بدون تبعیض

«عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی» نیز شرط دیگری برای حصول به امنیت قضایی است. عملکرد صحیح و به هنگام دستگاه قضایی در برخی موارد و عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگام در موارد دیگر، امنیت آفرین نیست. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرآیند قضاوت و احکام صادره نه

<sup>۱</sup> برای مطالعه ر.ک: ویژه، اصل امنیت قضایی، کانون وکلا، شماره ۱۸۳، ص ۱۴۱

تنها برخی شاخص‌های عینی امنیت قضایی را زایل می‌کند بلکه از طریق تأثیرگذاری منفی در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می‌دهد (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۸).

### ۳-۱-۵. وجود وحدت رویه

هر قانون، مدلی از نظم را دیکته می‌کند که به شکل تدریجی پا می‌گیرد و آحاد مردم و جامعه تخصصی به تدریج به آن عادت می‌کنند. وجود وحدت رویه، ضامن امنیت قضایی است. از اطاله رسیدگی‌ها جلوگیری می‌نماید. حال منظور از رویه قضایی، معنای عام آن است، چرا که از جهتی، مهم‌تر از رویه قضایی به مفهوم خاص آن می‌باشد. رویه قضایی خاص، آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور است که در مقام وحدت رویه صادر می‌شود و هم ارزش علمی داشته و هم قاطع اختلافات می‌باشد، اما آن چیزی که فرهنگ قضایی و فرهنگ حقوقی را در جامعه نشر می‌دهد، رویه قضایی، به معنای عام کلمه است، یعنی آرایی که شعب مختلف دادگاه‌ها در سطح کشور در موضوعات واحد بیان می‌دارند (نوروزی، ۱۳۷۹: ۷۴).

### ۳-۱-۶. عدم جواز داوری بیش‌تر از یک بار

مانع شدن از ناهماهنگی آراء قضایی در یک موضوع واحد، امری که باعث عدم اطمینان به احکام دستگاه قضایی می‌شود. قوه قضاییه تا مادامی که دارای کلام نهایی نباشد و یک نزاع واحد چندین بار به دادگاه ارائه شود و یا با مرور زمان به قضاط مختلف عرضه شود در این صورت پوشیده نیست که دستگاه قضایی هیچ احترام و کرامتی نخواهد داشت. هم‌چنین ناهماهنگی در احکام، قضا را بدنام می‌کند و باعث از بین رفتن اعتماد به آن و احکام صادره از دادگاه می‌شود.

### ۳-۱-۷. درک مشترک از قانون

ضمن بازگشت به مفهوم نظم حقوقی، مجموعه‌ای از قواعدی دیده می‌شود که همه باید آن را پذیرفته و به اجرا گذارند و یکی از مقتضیات نظم حقوقی فهم مشترک از قواعد حقوقی است، به طوری که قانون موجود و دستوری که (قانون) صادر می‌نماید برای کلیه کسانی که در عمل با آن مواجه هستند به یک صورت درک شده و بدان عمل گردد. در دستگاه قضایی نیز اگر مشخص نگردد که افراد به چه شکلی برای انجام دادن امور دادرسی خود و طی سلسله مراحل آن عمل

نمایند عملاً دادرسی با مشکل موافق خواهد شد. باید یک باور مشترک نسبت به قوانین برای تحقق نظم حقوقی وجود داشته باشد و همه آحاد جامعه از قانون یک مطلب را برداشت نمایند، هر چند که امکان اختلاف نظر علمی بین متخصصان وجود دارد، اما باید از قانون فهم عرفی واحدی صورت پذیرد (همان: ۷۴).

#### ۴. تضامین حقوق متهم

با درک مبانی بنیادین یادشده در حین تحقیقات اولیه تا دادرسی ماهوی، متهم از باب داشتن امنیت قضائی دارای حقوقی است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها که در این مرحله کارآئی دارند اشاره می‌شود

##### ۱-۴. تفہیم اتهام یا حق اطلاع متهم از موضوع اتهام

حق اطلاع از موضوع اتهام به عنوان یکی از حقوق اساسی در نظام کیفری ایران، از جمله در قانون اساسی و قانون آینین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است به طوری که از ابتدا و به صراحة پلیس را مکلف نموده است<sup>۱</sup> که در صورت ضرورت بازداشت و لزوم تحت نظر قرار دادن متهم، اتهام به وی تفہیم و ابلاغ شود که این امر هم باید قبل از تحتنظر قرار دادن افراد صورت گیرد تا شخص متهم پیش از سلب نوعی آزادی از وی - در جریان علت و نوع اتهام بازداشت خود قرار گیرد. حال ممکن است پس از اطلاع از موضوع اتهام، دلائل و مدافعتی از سوی متهم ارائه گردد که حاکی از برائت و بی‌گناهی او باشد و ضرورتی به تحت نظر قراردادن متهم و یا ادامه تحقیقات و تحت تعییب قرار دادن وی نباشد (زراعت، ۱۳۹۰: ۴۱۴).

در رویه قضایی<sup>۲</sup> نیز مدت زمان بیشتر از ۲۴ ساعت برای متهم تحتنظر موجب محکومت بوده و قصاصات به این عنوان محکومیت یافته‌اند. یک نمونه از این نوع محکومیت: «آقای ... دادرس علی ... البیل وقت دادگاه عمومی تهران اولاً: علی‌رغم اینکه متهمین در یک مرحله با دستور معاون قضایی به مدت ۲۶ ساعت تحت نظر بوده‌اند دستور داده تحت نظر باشند و خلاف ماده ۱۲۷ قانون آینین دادرسی

۱. ماده ۵۲: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحتنظر را به متهم تفہیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

۲. دادنامه شماره ۴۵ ۸۳/۲/۷ دادگاه عالی انتظامی قضات.

دادگاه‌های عمومی و انقلاب عمل کرده است. ثانیاً: جلسه دادگاه را بدون وکیل تعیین شده متهم و ابلاغ وقت به وی تشکیل داده است. علی‌هذا با احراز تخلف قاضی موصوف مستندًا به ماده ۱۶ و ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی تफصیلات به کسر یک هشتم حقوق برای مدت سه ماه محکوم می‌گردد.».

از حق تفہیم اتهام به عنوان یک حق اساسی برای متهم در ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری این گونه مراقبت شده است که: «بازپرس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفہیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند...».

#### ۲-۴. حقوق متهم و ضمانت‌های اجرائی مرحله احضار

نخستین اقدام در مرحله تحقیقات مقدماتی برای بازجوئی از متهم، احضار وی به مرجع قضائی است. رعایت مواد قانونی کمک می‌کند تا امنیت قضائی محقق شود؛ پس تا زمانی که طبق ماده ۱۶۹ احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید و برابر ماده ۱۷۰ در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضاء مقام قضائی می‌رسد؛ امنیت قضائی هر فرد و خصوصاً متهم تامین می‌شود لکن مهم‌ترین نکته این بخش رعایت مواعده و زمان مقرر است که در ماده ۱۷۱<sup>۱</sup> کمترین فاصله را پنج روز تعیین کرده است؛ لذا قید «به محض روئیت حضور به هم رسانید» که رویه جاری دادسراها شده است، ملاک و معیار قانونی و درستی ندارد.

#### ۳-۴. کفایت ادله برای احضار

اگرچه بر اساس بند «الف» ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری شکایت شاکی برای شروع به رسیدگی کافی است، ولی صرف وجود شکایت یا حتی گزارش ضابطان دادگستری علیه کسی، کافی برای احضار او نبوده بلکه عمل مجرمانه‌ای که به آن شخص نسبت داده می‌شود؛ باید مستند به قرائتی باشد که لاقل احتمال ارتکاب آن از جانب مظنون داده شود.<sup>۲</sup> از این روست که ماده

<sup>۱</sup>. ماده ۱۷۱ - فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.»

<sup>۲</sup>. ماده ۶۷ - گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌دهنده‌گان و نویسنده‌گان آنها مشخص نیست، نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب ←

۱۶۸ قانون آینین دادرسی کیفری صریحاً مقرر می‌دارد: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.» امری که طبق تبصره ماده یادشده تخلف از آن موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار برای مرجع احضار کننده است.

برای تامین امنیت قضایی بیشتر، رعایت قاعده کفایت دلایل احضار ضرورت داشته و مراجع قضایی باید مفاد آن را دقیقاً مورد توجه قرار دهند. ولی رویه ناصوایی که اکنون دیده می‌شود این است که گاهی به محض وصول شکایت و یا اعلام جرم، دستور احضار متهم و بازجویی از او صادر می‌گردد که این شتاب و عجله با موازین حقوق بشر و مقررات قانونی سازگار نیست. این موضوع بیشتر علاوه بر بستگی داشتن به شخصیت و نحوه آموزش و تربیت مقام قضائی صادر کننده برگ احضار، وابستگی تامی با نوع جرم و اوضاع و احوال بزه انتسابی و مرحله کشف جرم دارد؛ در هر صورت نباید قواعد شکلی تحقیقات پیش از دادرسی دچار نقص و یا نقض گردد.

#### الف) درج علت احضار و نتیجه عدم حضور

در ماده ۱۷۰ قانون آینین دادرسی کیفری مندرجات احضاریه- با تغییراتی نسبت به ماده ۱۱۳ قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ همراه شده است.<sup>۱</sup> چنانچه ملاحظه می‌شود در این تبصره تجویز شده است که احضار کننده در صورت مصلحت می‌تواند دو مورد را در احضارنامه قید نکند: الف. علت احضار ب. نتیجه عدم حضور؛ طبق قانون آینین دادرسی کیفری حاضر نتیجه عدم حضور در هر صورت باید در احضاریه قید گردد. پس در مقررات جدید آئین دادرسی کیفری این مصلحت حذف و مفاد تبصره ماده ۱۷۰ قانون (به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند) حکم‌گرا است.

#### ب) بیان علت حضور در ورقه احضاریه

---

قرارگیرید، مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظام و امنیت عمومی است یا همراه با قرائتی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

<sup>۱</sup>. ماده ۱۱۳: «در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود. تبصره- در جرائمی که مصلحت اقتضاء نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.»

هر احضار شده‌ای نگران وضع خود بوده و به حکم فطرت انسانی می‌خواهد علت احضار خود را بداند. نگران گذاشتن فرد احضار شده در برهه‌ای از زمان با حقوق انسانی او مغایرت دارد. در رویه قضایی ایران احضار فرد یا افراد با قید جلب بدون اینکه معلوم گردد به عنوان مطلع احضار شده‌اند و در ادامه به مانند متهم با آن‌ها برخورد و عمل شود؛ نیز تخلف محسوب گردیده است و به این ترتیب که در رای محکومیت قید شده: «... اقدام قاضی مشتکی عنه در زمینه جلب متهم پرونده امر بدون سابقه احضار و نیز عدم اخذ تامین کیفری از متهم فوق الاشعار علی رغم اعتقاد به مجرمیت وی و همچنین احضار و با قید جلب دونفر دیگر بدون این که تعیین نماید به عنوان مطلع احضار شده‌اند یا متهم به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست، تخلف است و دفاع وی در این موارد موثر نیست. بنا به مراتب آقای ... دادیار دادرسای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ تهران را بابت تخلف‌های مذکور به استناد صادر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می‌نماید.» (زنده، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۲۸).

#### پ) درج نتیجه عدم حضور در برگ احضاریه

منطق قضایی، موازین عدل و قاعده انصاف ایجاب می‌کند تا متهم از نتیجه عدم حضور خود آگاه گردد. از سویی اصل قانونی بودن دادرسی‌های جزایی ایجاب می‌کند تا فرد احضار شده از نتیجه عدم حضور خود مطلع شود و اگر شخص متهم با علم و آگاهی از نتیجه عدم حضور خود نزد مقام قضایی حاضر نشود، جلب گردد. بنابراین اگر بدون اعلام نتیجه عدم حضور جلب خواهد بود و راساً؛ بدون سابقه ابلاغ احضاریه مبادرت به جلب (جلب پیش از احضار) متهم شود؛ تخلف سهمگینی محسوب می‌شود که موجب محکومیت مالی مختلف (احضار کننده) نیز خواهد بود.

#### ۴-۴. ذکر حق همراه داشتن و کیل در احضارنامه و حق داشتن و کیل

حق برخورداری از وکیل یکی از حقوق بنیادین برای تمامی افراد در مراحل مختلف رسیدگی و یا دادرسی و در محاکم مختلف می‌باشد لذا در مرحله تحقیقات مقدماتی و برای حمایت بیشتر از متهمان در جهت دسترسی آنان به وکیل باید این حق فراهم گردد (european union agency on fundamental rights, 2016:41). اساس این حق را باید به عنوان یک حق بشری جهت تضمین برابری سلاح‌ها در فرآیند دادرسی دانست که در بند ۱۴ ميثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده و این حق ناظر بر برابری طرفین در فرآیند دادرسی بوده که باید به فرآیند تصمیمات اولیه پیش از

محاکمه نیز بازگردد (ashwroch, 1998:311)

امروزه نه تنها حق داشتن وکیل، بلکه اعلام این حق به متهم نیز یک حق اساسی- بشری محسوب شده است. این در حالی است که در قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نه تنها به ضرورت اعلام حق داشتن وکیل در هنگام احضار اشاره‌ای نشده بود بلکه حق داشتن وکیل در زمان شروع تحقیق و بازجویی نیز با محدودیت‌هایی روپرتو بوده است. اما اکنون ماده ۱۹۰ قانون آینین دادرسی کیفری به منظور نزدیک شدن به مقررات حقوق بشری- به لزوم ذکر حق همراه داشتن وکیل در احضارنامه تصریح می‌نماید. بنابراین مقررات جدید آینین دادرسی کیفری نسبت به مقررات قبلی، خود را به اصول دادرسی عادلانه و تحولات جهانی حقوق بشری و رعایت حقوق شهروندی در زمینه حق همراه داشتن وکیل در دادرسی‌های کیفری نزدیکتر کرده و متنضم‌من امنیت قضائی پیشتر شهروندان شده است.<sup>۱</sup>

۱ نکته قابل توجه این که: این حق اولین بار با الحق تبصره‌ای به ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ وارد نظام حقوقی ایران شد، پس از انقلاب اسلامی ایران این حق در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۸۷ پیش‌بینی و با وجود به رسمیت شناخته شدن این حق در این مرحله که خود اقدام مهمی در جهت حفظ و تقویت حق دفاع متمم بود؛ اما محدودیت‌ها و نقایص زیادی در متن ماده یاد شده وجود داشت: اول اینکه به لحاظ عدم اشاره به حق داشتن و کیل تسخیری، امکان ارائه‌ی و کیل برای همه افراد وجود نداشت. دوم؛ هیچ‌رازی به اطلاع رسانی برای حضور و همچنین پذیرش و کیل در زمان بازجویی وجود نداشت. مخصوصاً در جایی که متمم در بازداشت به سر می‌برد؛ بازپرس هر زمان این امکان را داشت که متمم را احضار و بدون اینکه و کیل او اطلاعی در این خصوص پیدا کند از وی بازجویی و تحقیق نماید. بر فرض هم که هنگام حضور متمم در دادسرای شکل اتفاقی و کیل حضور یابد و بتواند لا یحهای هم ارائه می‌داد؛ این امکان برای بازپرس وجود داشت که ادامه تحقیقات در جلسات بعدی را بدون حضور و کیل برگزار کند یا حتی پس از خروج و کیل از دادسرای مجلداً متمم فرا خوانده شود و تحقیقات ادامه یابد. سوم؛ آوردن قید «بدون مداخله در امر تحقیق» که می‌تواند مفهوم گسترده‌ای را القا کند؛ امکان تضییع حقوق متمم را فراهم می‌آورد. وسعت این قید و امکان ارائه تفسیرهای مختلف این اجازه را به بازپرس می‌داد که از مشاوره متمم با و کیل در هنگام بازپرسی جلوگیری کند. اکنون و با وجود قانون فعلی، در صورتی که این امر از دیدگاه بازپرس دخالت در امر تحقیق تلقی شود، در ظاهر معنی پیدا نمی‌کند (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۵۴). چهارم؛ قانونگذار با آوردن عبارت «پس از خاتمه تحقیقات» این شبیره را ایجاد کرده بود که منظور از خاتمه، تمام شدن کل مرحله تحقیقات مقدماتی است یا همان جلسه بازجویی؟ با توجه به اهمیت حضور و کیل در این مرحله، این تفسیر درست نبود که و کیل در پایان تحقیقات تنها فرست ابراز عقیله پیدا کند زیرا پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، بازپرس فقط مکلف به صدور قرار بوده و دیگر مجالی برای ارائه دلائل رفع اتهام از موکل نبوده؛ پس منظور از ماده یادشده آن بود که در هو مرحله از تحقیقات و تمام آن جلسه و کیل می‌توانست اظهارات خود را بیان نماید که این مهم با اصل تساوی سلاح ها هم خوانی پیدا می‌کرد؛ هر چند امکان مداخله در رسیدگی برای او وجود نداشت. مضافاً اینکه با وجود تبصره ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری که مقرر می‌داشت: «اگر موضوع جنبه محramانه داشته باشد یا حضور غیر متمم به ←

لر و درج حق همراه داشتن وکیل در احضارنامه و اصل حق داشتن وکیل در قوانین سابق نه تکلیف قضی بوده و نه به روشنی و درستی که تضمینی در جهت تامین امنیت قضائی متهم است؛ چندان شناخته نشده بود اما در قانون آین دادرسی کیفری مقرراتی در رابطه با وکلا و تکلیف قضات به اعلام و رعایت این مقررات وجود دارد که به نوبه خود حائز اهمیت بوده و تحولاتی را در این زمینه در ماده ۱۹۰ قانون اخیرالذکر مشاهده می‌کنیم. نکات قابل توجه در این ماده این است که: اولاً در قیاس با مقررات قبلی اکنون محدودیتی در زمینه حضور وکیل و بیان مطالب توسط وی در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود ندارد و از همان آغاز تحقیقات وکیل یا وکلای متهم می‌توانند به دفاع از متهم بپردازنند. ثانیاً تکلیف مقام قضایی به تفہیم این حق، یعنی حق داشتن وکیل به متهم که در جلسه باید به متهم ابلاغ نموده و در صورت جلسه درج گردد. همین طور تبصره ماده فوق بیان می‌دارد: «سلب حق داشتن وکیل یا عدم تفہیم این حق به متهم موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه می‌شود». این موضوع به خودی خود حاکی از اهمیتی دارد که قانونگذار به حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی قایل شده است. ماده ۴۸ قانون آین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید». در این زمینه قانون با حرکت به سمت سیستم دادرسی اتهامی، در واقع حق داشتن وکیل برای متهم را از همان مرحله اولیه پیش از دادرسی پیش‌بینی نموده است. بنابراین حتی ضابطین قضایی به عنوان عنصر و عامل حاکمیت لازم است که حق داشتن وکیل را برابر متهم محترم و مرعا بشرمود. اگرچه از تضییقات جدید قانونی تبصره که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌کند و اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود. این امر تعیین وکلای منتخب رئیس قوه قضائیه انتقادات زیادی را به دنبال داشته و در مجموع مغایر با امنیت قضایی موضوع بحث مقاله تلقی می‌شود.

→ تشخیص قضی موجب فساد باشد و در جرائم علیه امنیت کشور» امکان حضور وکیل متهم باید با اجازه مقام رسیدگی کننده باشد؛ این قیود عملاً دست قضات را به حدی باز می‌گذاشت که هر زمان بخواهند؛ می‌توانستند وکیل را نپذیرند.

#### ۴-۵. حقوق متهم در مرحله جلب

بر اساس ماده ۱۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری<sup>۱</sup> نتیجه عدم حضور متهم، جلب متهم است و تصریح ماده ۱۷۰ همین قانون به اینکه در احضاریه «نتیجه عدم حضور قید شود» اشاره به این امر دارد. متهمی که احضار شده، مکلف است در وقت مقرر و یا در مهلت تعیین شده نزد مرجع قضایی حاضر شود. چنانچه وی حضور پیدا نکرد و گواهی عدم امکان حضور ارایه نداد به دستور مقام قضایی جلب می‌گردد. حال بازپرس یا دادیار پس از احضار متهم و عدم حضور وی در وقت مقرر و یا در مهلت تعیین شده، باید ابتدا از نحوه ابلاغ و امکان اطلاع متهم و یا عدم ابلاغ احضاریه، اعم از ابلاغ واقعی یا قانونی، اطمینان حاصل کرده و دقت نماید که آیا وی عذر موجبه‌ی برای عدم حضور خود داشته یا به طریقی عذر موجه خود را اعلام کرده است یا خیر؟ به هر حال مقررات مشابه‌ای در خصوص جلب متهم با نحوه ابلاغ احضارنامه در ابتدای امر وجود دارد: ماده ۱۱۱ «جلب متهم به موجب برگه جلب به عمل می‌آید. مضمون برگه جلب که حاوی مشخصات متهم و علت جلب است باید توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود»

#### ۴-۶. محدودیت در قرار بازداشت موقت

بازداشت متهم در تمام یا قسمتی از مرحله بازپرسی، یعنی قبل از آنکه به موجب حکم دادگاه محکوم گردیده باشد یکی از مسائل مهم و بغرنجی است که پیوسته توجه قانونگذاران، قضاة و به خصوص علمای حقوق را به خود جلب نموده است (آشوری، ۱۳۹۱: ۶). این قرار آخرین نوع قرارهای تأمین و نظارت قضایی در ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری است. با توصل به قرارهای جانشین (جایگزین)، هم اهداف تامین کیفری که عبارت از حضور متهم در جلسه تحقیقات مقدماتی تا رسیدگی و اجرای حکم است؛ تامین می‌شود و هم از زندانی کردن متهم که موجب اضرار به خانواده و از دست دادن کار و کسب متهم است اجتناب می‌گردد و سرانجام هزینه‌های ناشی از قرارهای منتهی به بازداشت و یا سلب آزادی متهم درنتیجه بازداشت موقت که گاهی بسیار سنگین است؛ بر جامعه تحمیل نمی‌شود. در همین زمینه ماده ۳-۹ میثاق بین‌المللی

<sup>۱</sup>. ماده ۱۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری: «متهمی که بدون عذر موجه حضور نیاید یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود».

حقوق مدنی و سیاسی مقرر داشته است: «بازداشت (زندانی کردن) اشخاص که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی شود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد تا اجرای حکم تمامی نماید». هم‌اکنون توسل به جانشین‌های بازداشت موقت در سطح بین‌المللی تقریباً جنبه الزامی به خود گرفته است (خالقی، ۱۳۹۲: ۲۴۱).

قانون آین دادرسی کیفری به درستی و در تمام ابعاد از دامنه صدور قرار بازداشت موقت کاسته و موارد قرار بازداشت موقت را تنها در ماده ۲۳۷ خود مشخص و احصا کرده است. همچنین، مقررات جدید دادرسی کیفری، به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص، قرارهای جانشین بازداشت موقت را گسترش داده تا امکان استفاده از صدور قرار بازداشت موقت محدود شود. به موجب ماده ۲۱۷ این قانون، «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر<sup>۱</sup> را صادر می‌کند». البته بر پایه ماده ۲۴۷ قانون آئین دارسی

۱. ماده ۲۱۷: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

- الف- التزام به حضور با قول شرف
- ب- التزام به حضور با تعین وجه التزام
- پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
- ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعین وجه التزام
- ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعین وجه التزام
- ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط
- چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعین شده با موافقت متهم با تعین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات
- ح- اخذ کفیل با تعین وجه الکفاله
- خ- اخذ وثیقه اعم از وجه تقد، ضمانتامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول
- د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

کیفری مقام قضایی می‌تواند «متناوب با جرم ارتکابی» در کنار صدور قرارهای تأمین کیفری، قرار نظارت قضایی را برای مدت معینی صادر کند. این نظارت‌ها تدابیری تکمیلی و فرعی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری هستند.

#### ۷-۴. جبران خسارت ایام بازداشت بی‌جهت

بازداشت‌های غیر قانونی و بی‌دلیل که سبب سلب آزادی افراد بی‌گناه می‌گردد؛ مغایرت کامل با حق بر آزادی و ممنوعیت توقيف و حبس خودسرانه افراد دارند. از آنجا که سبب سلب آزادی افراد بی‌گناه، خلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قواعد پذیرفته شده حقوق بشری است لذا اولین الزام به جبران خسارات و آسیب‌های افراد بازداشت شده را گوشزد می‌کنند، که این جبران خسارات ضروری است در قوانین موضوعه کلیه کشورها مد نظر قرار بگیرد. (singh and singh, 2015; kumar singh, .(648:

بیان شد؛ مهم‌ترین شاخصه‌های استقلال قضایی عبارتند از: عدم واپسگی قضات دادگستری به گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی، رعایت اصول دادرسی بی‌طرفانه و حرکت در چارچوب قوانین البته گفتنی است که تأمین استقلال قضایی، فقط در صورتی امکان‌پذیر است که قضات و دادرسان لزوماً از آزادی عمل و تضمینات مناسب مادی و معنوی برخوردار باشند. این به معنای آن است که، قضات باید بتوانند آزادانه و به دور از فشارها و تأثیرات داخلی، بیرونی، سیاسی و شغلی به انجام وظایف خویش بپردازنند (زارعی، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸). بدیهی است که مصونیت قاضی مانع از جبران ضرر و زیان ناشی از تقصیر و اشتباه او نیست لذا قانون آین دادرسی کیفری، حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت بی‌دلیل را به رسمیت شناخته است. بر پایه ماده ۲۵۵ این قانون اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. البته نظر قانونگذار با به کارگیری عبارت «جریان تحقیقات مقدماتی» در متن قانون موصوف، بر لزوم جبران خسارت از متهمانی است که بی‌گناهی آنان پس از یک دوره بازداشت موقت مشخص شده یا در این مرحله، قرار منع تعقیب آنان صادر می‌شود؛ معین می‌گردد:

ماده ۲۵۵ «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۶) این قانون خسارارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند» در مقابل برای احتراز از سوء استفاده‌های بعدی ماده ۲۵۶ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارارت نیست: الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد. ب- به منظور فراری دادن مرتكب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. پ- به هر جهتی به تابعه موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد»

البته به نظر می‌رسد که جبران خسارارت مدت بازداشت، فقط شامل قرار بازداشت موقت می‌شود و موارد دیگری را که به بازداشت متهم انجامیده است را شامل نمی‌شود؛ بنابراین، در مواردی که سلب آزادی متهم به دلیل ناتوانی از معرفی کفیل یا ارائه وثیقه بهویژه در مواردی که خود متهم موجبات صدور این قرارها را فراهم آورده باشد؛ حق مطالبه جبران خسارارت وجود نخواهد داشت. در رای شعبه اول کمیسیون جبران خسارارت استان مازندران<sup>۱</sup> به خواسته جبران خسارارت مادی و معنوی ناشی از بازداشت بی‌جهت به مدت ۲۴۷ روز، ضمن به رسمیت شناخته شدن این موضوع در نهایت پیرامون خسارارت مادی ایام بازداشت به پرداخت ۸۶/۴۵۰/۰۰۰ ریال و پیرامون خسارارت معنوی (کسر حیثیت و اعتبار) به درج حکم اعتذار در جراید کثیرالانتشار صادر و اعلام گردید. هرچند که تجویز جبران خسارارت ناشی از بازداشت بی‌جهت متهم از سال ۱۳۹۲ وارد نظام قضایی جزایی گردیده اما در مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آین دادرسی کیفری و همچنین آین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارارت ناشی از

۱. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۲۰۶۴۱۰۰۰۱ به تاریخ صدور ۹۷/۰۹/۰۱: بر اساس این رای «آقای ابوذر ح. (وکیل دادگستری) به وکالت از آقای شعبانعلی فرزند رمضانعلی، متولد ۱۳۴۱، متأهل، شغل مرغ فروش، درخواست جبران خسارارت مادی و معنوی ناشی از ۲۴۷ روز بی‌جهت مولکلش در پرونده به شماره ۹۵۰۰۰۳ از دولت نموده است. پس از جری تشریفات مع الوصف اعضا کمیسیون با عنایت به صدور حکم برائت به شماره ۹۵۰۹۹۷۱۵۰۰۴۴ از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان ساری و قطعیت آن که حاکی از بی‌گناهی متقاضی یادشده دارد و نظریه کارشناسی رسمی دادگستری که مصون از اعتراض باقی مانده است؛ مستنداً به مواد ۲۵۵ با لحظ ماده ۱۴، ۱۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰ و از قانون آین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ پیرامون خسارارت مادی ایام بازداشت (۲۴۷ روز) حکم به پرداخت ۸۶/۴۵۰/۰۰۰ ریال و پیرامون خسارارت معنوی (کسر حیثیت و اعتبار) به درج حکم اعتذار در جراید کثیرالانتشار صادر و اعلام می‌گردد. صندوق (مستقر در وزرات دادگستری) پس از قطعیت رأی مکلف به اجرای رأی یادشده می‌باشد.»

بازداشت مصوب ۱۳۹۵ رئیس قوه قضاییه، در خصوص مبنای تعیین خسارات مادی و معنوی ناشی از بازداشت بی جهت، حکمی وجود ندارد و این امر نیز سبب ابهاماتی در نحوه تعیین خسارت و اقلام موضوع آن گردیده است. از جمله، این که آیا معیار تعیین میزان خسارت تنها میزان درآمدی است که متهم در مدت بازداشت از آن محروم شده است؟ یا این که باید بابت سلب آزادی متهم، رنج و مشقت حاصل از محرومیت وی از خانواده در مدت بازداشت و فشارهای روحی و روانی که وی متحمل شده است نیز تقویم صورت گیرد.

نتیجہ گیری

واضح است که برای برقراری امنیت قضایی شرط اول، وجود نظام قضایی کارآمد و عدالت خواه، قوانین کارآمد و آینین دادرسی راهگشا، کارکنان متعدد و هوشمند، فضای سالم، فرهنگ لازم جهت حمایت‌های قضایی، پرهیز از حاکمیت سلیقه‌ها و باندها بر دستگاه قضایی، پیشگیری از وسوسه‌های افراد نفوذی و حیله‌گر و ارتباطات ناسالم و نیز برخورد با مفاسد، از جمله رشوه‌خواری، سوءاستفاده، فرصلت طلبی و حاکمیت روابط بر ضوابط است. بسیاری معتقدند امنیت قضایی در راس امور هر نظام اداری قرار دارد، حقوق ایران نیز با توجه به تاکیداتی که در دین میبین اسلام بر لزوم احترام حق و عدالت قضائی وجود دارد، بر امنیت قضائی تمرکز ویژه‌ای دارد. بنابراین برای ایجاد امنیت قضائی به نحو کامل (تا اجرای عدالت قضائی) استفاده از ابزارهایی چون رعایت حقوق اصحاب دعوا در تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی، بسط و گسترش دادرسی عادلانه و ... اهمیت بسیاری دارد. در کشوری که همواره آمار ورودی پرونده به دستگاه قضائی در حال افزایش است، یعنی اتفاقی که می‌تواند زمان دادرسی و احراق حقوق را به درازا بکشاند؛ آسیب‌شناسی و بررسی تحقق امنیت قضائی به خصوص در مرحله پیش از دادرسی و در حق متهم ضرورت داشته و در تحقیق حاضر با بررسی سوالات مطرح شده نتایج تحقیق نشان داد که رعایت احکام قاعده منع بازداشت غیرقانونی، مراقبت از حقوق متهم در احضار یا جلب، به عنوان مولفه‌های امنیت قضایی در مرحله کشف جرم و همچنین حق داشتن و کیل، محدودیت در قرار بازداشت موقت، حق اطلاع از موضوع و تفهم اتهام حق سکوت و اعتراض متهم از معیارهای امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی بسیار مهم هستند. تحقیقات نشان می‌دهد حقوق متهم عبارت است از: مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه از بد و اتهام تا صدور

حکم و اجرای حکم لازم است از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت که علیه او مطرح شده است، از خود دفاع کند. از سوی نیز در دفاع از منافع جمیع جامعه، یعنی به بیان اعمال ساز و کارهای امنیت قضائی نباید به نادیده گرفتن حقوق متهمان دچار شد و به این سبب، مقررات آئین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، متهم را نیز در دفاع از خود یاری کند.

همچنین به دیگر عواملی که در تحقق امنیت قضائی مؤثر هستند مانند: شفافیت قانون، انسجام قوانین، تعهد سایر قوا و دستگاه‌های دولت در قبال عدم دخالت در امور قضائی، فراهم کردن زندگی متعادل برای قاضی، مصونیت قاضی از برکناری و عزل، فراهم کردن امنیت شغلی برای قاضی و ... می‌توان تمسک و اتکا کرد و در پایان برای مسطح کردن این مسیر سنگلاخ تا حد اعلای تأمین امنیت قضائی پیشنهاد می‌شود:

- برای رعایت حقوق متهم، از جمله در حق سکوت، حق تماس با خانواده و ... ضمانت اجرا تعیین شود. در حال حاضر نقض این حقوق فاقد ضمانت هستند.
- در تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری حق انتخاب و کیل توسط متهمان جرایم خاص سلب شده است که این امر مغایر با امنیت قضائی است لذا باید مقرره حاضر اصلاح شود.
- با توجه به طولانی بودن روند تغییر و اصلاح قانون، رویه قضائی می‌تواند با ارائه یک تفسیر منطبق با مقتضیات زمانی هدف قواعد حقوقی گفته شده در باب امنیت قضائی پیش از دادرسی، از جمله جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی را در راه رسیدن به «کارآیی امنیت قضائی» برآورده سازد.
- با وجود تخلف از قانون و عدم رعایت موازین امنیتساز توسط مجریان و یا مأموران قوه قضائیه، در صورت مطمئن شدن از وجود این تخلف و حتمی بودن شکایت شاکی خصوصی، چنانچه این ادعا متناسب با مصلحت اجتماعی و بدون دخالت انگیزه‌های شخصی باشد، برای پیگیری و حرکت به سمت احقاق حق و ایجاد امنیت قضائی در سطح جامعه، مدعی العموم تکلیفاً و راساً اقدام به رسیدگی نماید.



### کتاب‌نامه منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). آین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم. دفتر اول. چاپ هفدهم. تهران: دوراندیشان.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۱). آین دادرسی کیفری. ج دوم. تهران: سمت.
- بهمنی قاجار، محمد علی. (۱۳۸۷). «مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی». اطلاعات سیاسی و اقتصادی. ص ۲۵۲-۱۵۲.
- بی‌پروا، امیر. (۱۳۹۷). رسانه، حقوق بشر و شهر و ناسی. تهران: میزان.
- حجتی اشرفی، غلامرضا. (۱۳۸۱). مجموعه قوانین اساسی- مدنی. تهران: گنج دانش.
- حجی‌زاده، هادی. (۱۳۹۵). «از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی؛ نگاهی دوباره به نسبت عدالت و امنیت در حوزه فقه و امنیت ملی». فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت. سال نهم. شماره سی و سوم. صص ۶۳-۸۱.
- خلالی، علی. (۱۳۹۲). آین دادرسی کیفری. چاپ ۲۱. تهران: شهر دانش.
- راسخ محمد. (۱۳۸۴). «تأثیری حق و حقوق بشر بین الملل». مجله تحقیقات حقوقی. ش ۴۱.
- زراعت، عباس؛ حاجی‌زاده، حمید رضا؛ متولی جعفر آبادی، یاسر. (۱۳۹۰). قانون آین دادرسی کیفری در نظام حقوق کشوری. چ ۳. تهران: خط سوم.
- اشراقی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). «امنیت قضایی بر مبنای شرف و کرامت انسانی». مجله دادرسی. سال یازدهم. شماره ۶۶.
- زندي، محمدرضا. (۱۳۹۴). کتاب هشدارهای انتظامی قضات. جلد اول. تهران: جنگل جاواده.
- سیفی زیناب، غلامعلی و امیر اقدم، زیما. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی نقش رویه قضایی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی در حقوق ایران و مصر». مجله دوره ۹. بهار و تابستان ۱۳۹۵. صص ۱۹۱-۱۵۷.
- علینقی، امیرحسین. (۱۳۷۹). «امنیت قضایی». فصلنامه راهبردی. سال سوم. شماره ۴. ص ۵۸.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). باسته‌های حقوق اساسی. چاپ چهل و پنجم. تهران: میزان.
- کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۷۵). جمعیت و امنیت ملی؛ همایش توسعه و امنیت عمومی. معاونت سیاسی و انتظامی وزارت کشور.
- کشاورز، بهمن. (۱۳۸۲). متن قانون و آین نامه «اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب «معروف به قانون احیاء دادسراه» به انصمام متن منحّ آین دادرسی مدنی و آین دادرسی کیفری». تهران: کشاورز.
- کلانتریان، سپیده. (۱۳۸۰). «حق بر دادرسی عادلانه». مجله وکالت. شماره ۶.
- موسوی، محمد. (۱۳۹۰). «کشف جرم». نشریه پیام آموزش. شماره ۲۴.
- مهاجری، علی. (۱۳۸۱). مبسوط در آین دادرسی مدنی. ج چهارم. چاپ اول. تهران: فکرسازان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). علوم جنایی. «مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری». تهران: سمت.

- ◀ هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم. تهران: دادگستر.
- ◀ ویژه، محمدرضا. (۱۳۸۲). «اصل امنیت قضایی». مجله کانون وکلا. ش ۱۸۳.
- ◀ سیاح، مریم؛ گنجی، عبدالحسین و خسرو، نشان. (۱۳۹۴). «امنیت قضایی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

### لاتین

- Ashworch,anderw. (1998). *the criminal process: an evaluation study*. Oxford. oxford university press.
- Donnelly, jack. (1999). *universal humanrights in theory and practice*. London. cornelluniversity press.
- *european union fundamental rights agency, rights of suspected and accused persons across the eu: translatin interpretation and information*. luxembourg, publication office of the european union: 2016.
- Jimeno- bullnes, mar. (2010). *towards common standards on rights of suspected and accused persons in criminal proceedings*, ceps liberty and security in europe.
- singh, tanya, kumar singh, rajiv and kumar singh pramod. (2015). *right of speedy and fair trial of accused :an over view*.
- Zander, micheal. (2007). *case and materials in english legal system*. cambridge, cambridge university press.
-